

بررسی قواعد تعارض قوانین مربوط به اموال مادی از منظر حقوق ایران و افغانستان

سید روح الله رضوی^۱

چکیده

مباحث مربوط به اموال در دانش حقوق خصوصی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به ویژه هنگامی که در حیطه‌ی حقوق بین الملل قرار می‌گیرند، اهمیت آن دو چندان می‌گردد. با توجه به این مهم، پژوهش حاضر که به تحلیل دیدگاه حقوق ایران و افغانستان در مورد تعارض قوانین نسبت به رژیم اموال مادی (اعم از اموال منقول و غیر منقول، اصلی و تبعی) و تعیین قواعد حاکم و صالح بر آن پرداخته، در ارتباط با بررسی این مسأله، به یافته‌های ذیل رسیده است. دیدگاه حقوق دو کشور در مورد قانون اصلح به رسیدگی، در برخی از زمینه‌ها کاملاً یک‌سان و در بعضی موارد تفاوت‌هایی باهم دارند. از باب مثال: در صورت وجود تعارض قوانین در مورد اموال غیر منقول اصلی، دیدگاه دو کشور در ارتباط با قواعد حاکم بر آن، کاملاً موافق بوده و هر دو، قانون محل وقوع مال را صالح می‌دانند؛ و در مورد اموال غیر منقول تبعی، حقوق ایران نسبت به تعیین قواعد حاکم بر آن، دستور صریحی ندارد، ولی حقوق افغانستان با صراحت، به حاکمیت قانون محل وقوع مال غیر منقول، دستور داده و آن را صالح به رسیدگی می‌دانند؛ و در مورد اموال منقول، حقوق افغانستان به نحو مطلق، همان قانون محل وقوع مال را صالح و حاکم می‌داند ولی حقوق ایران، هر چند در قانون مدنی همین نظر را دارد ولی با تصویب برخی

^۱. دانشجویی دکتری حقوق خصوصی (sayedroohullahrazavi@gmail.com)

قوانین جدید، تعدادی از اموال منقول مانند کشتی‌ها، هواپیماها، مراسلات و محموله‌ها را از این حکم استثنا نموده و آن‌ها را تابع قانون ویژه‌ای قرار داده است. کلیدواژه‌ها: قواعد تعارض قوانین (قاعده حل تعارض)، قواعد حاکم، رژیم اموال مادی، دوگانگی رویکردها، نظام حقوقی بین‌المللی.

مقدمه

تحقیق حاضر با عنوان بررسی قواعد تعارض قوانین مربوط به اموال مادی و تعیین قانون حاکم بر آن در حقوق ایران و افغانستان، بدنبال روشنگری و تبیین زوایای مسأله مدّ نظر است؛ و آن اینکه: در صورت پیدایش تعارض قوانین در مورد اموال مادی واقع در خاک این دو کشور، دیدگاه حقوق دو کشور ایران و افغانستان در ارتباط با روشن‌گری تکالیف و حقوق آن اموال و تعیین قانون حاکم و صالح بر دعوا، چگونه است. آیا نظام حقوقی دو کشور در این مورد، دیدگاه هم‌سان دارند یا دیدگاه‌شان متفاوت می‌باشد یا در برخی انواع اموال مادی دیدگاه‌شان یکسان و در برخی دیگر متفاوت است.

سوال‌های مرتبط با موضوع که ذهن نگارنده را به خود مشغول و او را به پژوهش واداشته، به اشکال ذیل مطرح می‌گردند.

سوال اصلی: در صورت وجود تعارض قوانین در مورد اموال مادی واقع در خاک یکی از دو کشور، قواعد حاکم روشن‌کننده وضعیت حقوقی چنین اموالی، از دیدگاه حقوق ایران و افغانستان کدام است؟

سوال‌های فرعی: ۱- قواعد حاکم بر تعارض قوانین مربوط به اموال منقول،

از دیدگاه دو کشور کدامند؟

۲ - قواعد حاکم بر تعارض قوانین مربوط به اموال غیر منقول اصلی از دیدگاه دو کشور کدامند؟

۳ - قواعد حاکم بر تعارض قوانین مربوط به اموال غیر منقول تبعی از منظر دو کشور کدامند؟

از آنجا که مباحث مربوط به اموال همیشه از مباحث مهم حقوقی بوده و بویژه هنگامی که جنبه‌ی بین‌المللی پیدا می‌کند اهمیتش بیشتر هم می‌گردد، تحقیق و بررسی پیرامون حقوق و تکالیف اموال مادی واقع در قلمرو کشور ایران یا افغانستان را و نیز در صورت تحقق تعارض قوانین، شناسایی قواعد حاکم بر آن را ضروری می‌نماید.

اموری مانند: شناسایی قواعد حاکم و لازم‌الاتباع برای حل دعوای مورد تعارض قوانین مربوط به اموال منقول و غیر منقول واقع در ایران یا افغانستان که مالک آن تبعه یکی از آن دو کشور می‌باشد، و نیز ارزیابی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه دو کشور پیرامون روشن‌گری وضعیت حقوقی مسأله مذکور، از اهداف مهم این پژوهش می‌باشند.

با توجه به مطالب فوق، این تحقیق جهت روشن‌گری زوایا و ابعاد مختلف موضوع یاد شده، با روش تحلیلی - توصیفی به بیان موضوعات و مسائل می‌پردازد.

تا آنجا که تفحص گردید، در ارتباط با موضوع منتخب، کتاب، پایان‌نامه و یا مقاله‌ای که به این نحو به موضوع پرداخته باشد، یافت نشد. هرچند برخی منابع حقوقی به اجمال یا به تفصیل به بررسی و تحلیل رژیم‌های حقوقی اموال

پرداخته ولی هیچ یک، این بحث را از منظر قوانین دو کشور ایران و افغانستان به صورت تطبیقی بررسی نکرده و بالتبع در صورت بروز تعارض قوانین، قواعد حاکم و صالح بر چنین دعوای مالی را نیز مشخص نکرده است. این اولین پژوهش است که در زمینه موضوع ارائه شده گام برداشته و ضمن بازگشایی مسیر کاوش مفصل تر فراروی دانش پژوهان، آنها را به تشویق وای می دارد.

پژوهش پیش رو در یک مقدمه، چهار گفتار و یک جمع بندی سامان می پذیرد. در مقدمه، طرح تحقیق؛ در گفتار اول، مفاهیم و کلیات؛ در گفتار دوم، تعارض قوانین در اموال غیر منقول از منظر حقوق ایران و افغانستان و تعیین قانون حاکم بر آن؛ در گفتار سوم، تعارض قوانین در مورد اموال منقول از دیدگاه حقوق ایران و افغانستان و تعیین قانون صالح بر آن بررسی می گردد؛ در گفتار چهارم، به مقایسه و تطبیق میان دیدگاه دو قانون در ارتباط با تعیین قانون صالح و لازم الاتباع در مورد تعارض در اموال مادی؛ و جمع بندی، به نتایج به دست آمده از پژوهش می پردازد.

گفتار اول: مفاهیم و کلیات

در این گفتار که دارای دو بند می باشد از مفاهیم و کلیات بحث می شود. در بند اول، مفاهیم برخی اصطلاحات و واژگان شاخص و کاربردی مرتبط با بحث، روشن می گردد؛ در بند دوم، یکسری مباحث مهم مورد نیاز از قبیل:

تاریخچه، عوامل و مبانی، اقسام و برخی مسائل دیگر تحت عنوان کلیات بحث می‌شود.

بند اول: مفاهیم

هرچند ممکن است اصطلاحات بیشتری نیازمند تبیین مفاهیم باشند ولی از آنجا که برخی آنها غیر مهم و برخی دیگر مفهومی تا حدودی روشن است و هم از آن جهت که بنا بر فشرده نویسی می‌باشد، در این بند، صرفاً به توضیح مفاهیم مهمی مانند: تعارض قوانین، قواعد تعارض قوانین و اموال مادی، پرداخته می‌شود.

الف. مفهوم تعارض قوانین

تعارض قوانین، شعبه‌ای از حقوق هر کشوری است که در آن قسمت، دعوای یاد شده با عامل یا عوامل بیگانه‌ای مرتبط است. (سلیمان فدوی: ۱۳۸۵، ص ۴۹) چیزی که مسلّم است اینکه، در تعارض قوانین حتماً عامل و یا عوامل بیگانه در آن دخالت دارد. و عامل بیگانه در هر کشور، چیزی فراتر از حقوق داخلی آن کشور است. مثلاً هرگاه قراردادی در خارج از ایران، توسط دو ایرانی یا یک ایرانی و یک خارجی منعقد گردد، این مسأله جزئی از حقوق بین الملل خصوصی ایران است نه حقوق داخلی آن. (همان)

برخی دیگر نیز در رابطه با مفهوم تعارض قوانین اشاره کرده: مسئله تعارض قوانین، هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه‌ی حقوق خصوصی به واسطه‌ی

دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور خارجی ارتباط پیدا می - کند. در چنین مواردی باید دانست که قانون کدام یک از این کشورها بر آن رابطه‌ی حقوقی حکومت خواهد کرد. (نجاد علی الماسی: ۱۳۸۳، ص ۱۷)

ب. مفهوم قواعد تعارض قوانین

قواعد تعارض قوانین یا قواعد حل تعارض، قواعدی هستند که تنها به تعیین قانونی که باید بر موضوع معینی حکومت نماید، اکتفا می کنند و مسئله‌ی مطروحه را مستقیماً حل نمی کنند. مثلاً: قاعده‌ی مندرج در ماده ۷ قانون مدنی ایران که مقرر داشته است: «اتباع خارجه‌ی مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و...، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.» یک قاعده حل تعارض است، زیرا فقط به تعیین قانون صلاحیتداری که در دعاوی مربوط به احوال شخصیه‌ی بیگانگان باید حکومت کند مبادرت می نماید و قانون ملی آنان را لازم الاجرا می شناسد بدون آنکه دعاوی مطروحه را مستقیماً حل کند. (نجاد علی الماسی: همان، ص ۳۱)

ج. مفهوم اموال

اموال در نگاه اهل لغت، جمع مال است و مال به معنای اشیایی است که برای مالک دارای ارزش و بها می باشد، اعم از ارزش مالی یا قیمی. (حسن عمید: ۱۳۶۲، واژه مال)

ولی در حقوق، تعاریف گوناگونی برای آن یادآوری شده که به نظر می - رسد تفاوت چندانی باهم ندارند. چند نمونه از تعاریف اموال:

۱. به چیزی مال می‌گویند که دارای دو شرط اساسی باشد: الف - مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی؛ ب - قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. پس اشیائی، مانند دریاهاى آزاد، هوا و خورشید، هرچند از ضروری ترین وسائل زندگى است ولی چون هیچ کس نمى‌تواند نسبت به آن ادعای مالکیت انحصارى کند، مال محسوب نمى‌شود...

۲. در گذشته واژه «مال» ویژه‌ی کالای مادی بود. ولی پیشرفت‌های زندگی کنونی به تدریج آن را از این معنی محدود و ابتدائی خارج ساخته است، چندان که امروز به تمام عناصر گوناگون دارائی (مانند زمین و اموال منقول و مطالبات و حقوق مالی) نیز مال گفته می‌شود.

۳. قانون مدنی که به تقسیم اموال پرداخته هرچند آن را تعریف نکرده ولی از ملاحظه‌ی مصادیق گوناگون این واژه به خوبی برمی‌آید که نویسندگان قانون مدنی آن را به معنی گسترده در نظر داشته‌اند. در این معنی واژه‌ی «مال» به تمام اشیاء و حقوقی که دارای ارزش اقتصادی است گفته می‌شود... بدین ترتیب واژه‌ی مال در عرف کنونی به دو معنی مادی و حقوقی به کار برده می‌شود: الف) به معنای مادی و محدود، مال به اشیایی گفته می‌شود که موضوع داد و ستد حقوقی بین اشخاص قرار می‌گیرد: مانند خانه، فرش و جواهر. ب) به معنی مجرد و حقوقی که عبارت از حقوق مالی است که به اشخاص امکان انتفاع از اشیاء مادی را می‌دهد: مانند حق مالکیت و طلب از دیگران. (ناصر کاتوزیان: ۱۳۸۶، ص ۹ - ۱۰)

۴. کلیه اشیاء با ارزش مبادلاتی و حقوق دینی، مجموعاً اموال نامیده می- شوند. (فدوی: ۱۳۸۵، ص ۸۶)

بند دوم: کلیات

مطابق آنچه قبلاً گذشت در این بند، مباحث ضروری دیگری مرتبط با بحث که هر کدام تحت عنوان مشخصی در ذیل می آید به طور خلاصه مورد بررسی قرار می گیرد.

الف. تاریخچه ی تعارض قوانین در حقوق ایران

از آن جا که بحث تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و هم از آن جهت که مهم ترین رکن و بُن مایه ی این پژوهش می باشد و در تمام مباحث با تعارض قوانین در اموال سروکار داریم، لازم است به ذکر تاریخچه ی آن در حقوق ایران به اختصار اشاره گردد. قبل از تدوین قانون مدنی و تا زمانی که رژیم کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) برقرار بود هیچ گونه مقررات مدوّن قانونی در موضوع تعارض قوانین وجود نداشت ولی پس از اینکه رژیم کاپیتولاسیون الغا گردید و جلد اول قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید تکلیف بعضی از مسائل معین گردید و مواد ۵ تا ۹ قانون مدنی، قواعدی را در زمینه ی احوال شخصیه و اهلیت ایرانیان مقیم در خارجه و احوال شخصیه و اهلیت و اموال اتباع خارجه در ایران مقرر داشتند. تا تصویب جلد دوم قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ مقررات مختلف و متعددی در زمینه ی تعارض قوانین پیش بینی گردید و طی مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵ راه حل سایر مسائل مربوط به تعارض قوانین نیز معین شد. در حال حاضر مجموع این مواد،

مقررات نسبتاً جامعی قانون بین المللی ایران را تشکیل می دهند که برای رفع تعارض بین قوانین استفاده می شود. (مجتبی نظیف: ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)

ب. عوامل پیدایش تعارض قوانین

حقوقدانان بین الملل خصوصی معمولاً وجود سه عامل را در پیدایش تعارض قوانین سهیم می دانند:

عامل اول - توسعه‌ی روابط و مبادلات بین المللی: مسأله تعارض قوانین در صورتی می تواند مطرح شود که یک رابطه‌ی حقوقی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. زیرا اگر رابطه‌ی حقوقی به هیچ وجه مربوط به کشور های خارجی نباشد و تمام عناصر آن در قلمرو یک کشور واحد قرار گرفته باشد، مثلاً دو ایرانی در ایران قراردادی منعقد کنند و محل تنظیم سند و اجرای قرارداد نیز ایران باشد، مسأله تعارض قوانین به وجود نخواهد آمد چرا که در این فرض، مسئله در قلمرو حقوق داخلی است و در مورد آن تنها قانون ایران لازم الاجرا است.

عامل دوم - اغماض قانونگذار ملی و امکان اجرای قانون خارجی: شرط ضروری دیگر برای وجود تعارض قوانین آن است که قانونگذار و قاضی یک کشور قبول کنند که در پاره‌ی از موارد قانون کشور دیگری را در خاک خود اجرا نمایند. اگر قانونگذار ملی فقط قانون کشور خود را صلاحیتدار بداند و قاضی نیز همیشه مکلف باشد که قانون کشور متبوع خود را اجرا نماید دیگر مسأله تعارض قوانین مطرح نمی شود؛ زیرا تعارض قوانین مبتنی بر امکان انتخاب

قانون صلاحیتدار از بین چند قانون است و در صورتی که قاضی حق انتخاب نداشته باشد، در واقع مسأله تعارض قوانین قبل از مطرح شدن حل می‌شود.

عامل سوم - وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها: سومین شرط ضروری برای پیدایش تعارض قوانین این است که در خصوص یک مسأله حقوقی که با دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند، قوانین داخلی این کشورها احکام متفاوتی برای آن داشته باشد. زیرا چنانچه راه حل قوانین کشورهای مختلف یکسان باشد دیگر انتخاب این یا آن قانون مخصوص، عملاً بی‌فایده است. (نجاد علی الماسی: ۱۳۸۵، ص ۷)

ج. انواع تعارض قوانین

اگر چه حقوقدانان حقوق بین الملل خصوصی انواع مختلف تعارض قوانین را در مورد پدیده‌های حقوقی، یادآوری کرده اند، ولی از آن جهت که پژوهش حاضر گنجایش بیان تمامی آن موارد را ندارد و هم از آن لحاظ که بعضی از انواع آن کاربرد عمومی نداشته و مختص بعضی کشورها می‌باشد، صرفاً به ذکر دو نوع که عبارت از تعارض مثبت قوانین و تعارض منفی قوانین می‌باشد، بسنده می‌گردد.

۱. تعارض مثبت قوانین: تعارض مثبت زمانی بوجود می‌آید که مسئله‌ای حداقل با حقوق دو کشور ارتباط پیدا کند و قواعد حل تعارض هر یک از کشورها، قانون داخلی خود را واجد صلاحیت بدانند؛ مانند آنجا که در خصوص احوال شخصیه و حقوق ارثیه ایرانیان مقیم خارجه، دعوایی در دادگاه ایران مطرح باشد.

۲. تعارض منفی قوانین: تعارض منفی قوانین زمانی اتفاق می‌افتد که قضیه‌ای در ارتباط با دو یا چند کشور باشد و قواعد حل تعارض هریک از کشورها، قانون داخلی خود را واجد صلاحیت ندانند. برای مثال، هرگاه بین یک زن و شوهر خارجی که در ایران اقامت دارند دعوی طلاقی مطرح باشد، چنانچه حقوق کشور خارجی طلاق را تابع قانون اقامتگاه بداند در این صورت بین حقوق خارجی و حقوق ایران که احوال شخصیه بیگانگان را تابع قانون ملی یا قانون تابعیت آنان می‌داند، تعارض منفی قوانین ایجاد می‌شود. (سید محسن شیخ الاسلامی: ۱۳۸۴، ص ۱۰۶)

هرچند ممکن است پدیده‌های گوناگون حقوقی در صحنه بین المللی مورد تعارض قوانین قرار گیرند، ولی مسائل مهم تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی چنانچه برخی نیز بر اهمیت آن اذعان دارند عبارتند از: ۱- احوال شخصیه ۲- اموال ۳- اسناد و قرار دادها. (نجاد علی الماسی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰) همان گونه که ملاحظه گردید نوشته حاضر، تنها به بررسی تعارض قوانین در بخش اموال که یکی از آن مسائل سه گانه است، می‌پردازد. قبل از مطالعه تعارض قوانین در اموال، لازم است ابتدا انواع مال مشخص شود.

د. انواع مختلف اموال

منابع مختلف فقهی و حقوقی تقسیمات گوناگونی برای اموال یادآوری کرده‌اند. پاره‌ای از آن تقسیمات این است: اموال از یک سو، به اموال مادی و اموال غیر مادی و از سوی دیگر، به اموال منقول و اموال غیر منقول تقسیم می‌گردند. اموال مادی اموالی هستند که وجود خارجی و پایگاه مادی دارند. اموال

غیر مادی اموالی هستند که وجود خارجی و پایگاه مادی ندارند ولی جامعه وجود آن را اعتبار نموده و قانون هم آن را شناخته است. (الماسی: ۱۳۸۵، ص ۱۸۲) به عبارت دیگر، اموال مادی اموالی هستند که وضع مستقر و پایگاه مادی دارند. اموال غیر مادی (غیر ملموس)، اموال اعتباری هستند که وجود خارجی ندارند ولی جامعه وجود آن را اعتبار نموده و قانون هم آن را شناخته است. (محمد نصیری: ۱۳۸۳، ص ۲۰۱)

اموال منقول اشیایی هستند که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد؛ اموال غیر منقول اشیایی هستند که نتوان آن را از محلی به محل دیگر نقل نمود. (الماسی: ۱۳۸۵، ص ۱۸۲)

به نظر می‌رسد تقسیم مورد قبول در ارتباط با اموال چنانچه عده‌ای نیز بر آن تأکید دارند، تقسیم ذیل می‌باشد. اموال در ابتدا، به اموال مادی و غیر مادی تقسیم می‌گردد؛ و آنگاه اموال مادی، به اموال منقول و غیر منقول تقسیم می‌شود. «اموال از جهت عینیت و وجود بیرونی به اموال مادی و غیر مادی تقسیم می‌شود. اموال مادی، اموالی هستند که تظاهر خارجی داشته باشند که این دسته خود به اموال منقول و غیر منقول طبقه بندی می‌شوند.» (مجتبی نظیف: ۱۳۸۹، ص ۱۶۹) چنانچه مشاهده گردید این پژوهش بحث تعارض قوانین را تنها در بخش اموال مادی که اعم از اموال منقول و غیر منقول است، پی‌گیری می‌نماید.

گفتار دوم: تعارض قوانین در اموال غیر منقول از منظر حقوق

ایران و افغانستان

در این گفتار، تعارض قوانین صرفاً در بخش اموال غیر منقول مطالعه می-شود. تعارض قوانین در اموال غیر منقول در طی دو بند که در بند اول، تعارض قوانین در اموال غیر منقول از منظر حقوق ایران و در بند دوم، از منظر حقوق افغانستان مورد بحث قرار می‌گیرد.

بند اول: تعارض قوانین در اموال غیر منقول در حقوق ایران

قبل از بررسی تعارض قوانین در اموال غیر منقول و تعیین قانون حاکم بر دعوا در دیدگاه حقوق ایران، لازم است ابتدا زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری تعارض قوانین در اموال غیر منقول، منقح گردد.

الف. چگونگی شکل‌گیری تعارض قوانین در اموال غیر منقول

تعارض قوانین در اموال غیر منقول ممکن است زمینه‌های مختلف و اشکال گوناگونی داشته باشد، از باب نمونه: هرگاه در مورد اموال غیر منقولی که در یک سرزمین قرار دارد، میان دو شخصی که هر کدام تبعه کشور جداگانه‌ای می‌باشد، نزاعی واقع شود و مسئله به دادگاه کشانده شود، مسئله تعارض قوانین در مورد آن ملک مطرح می‌گردد. و نیز اگر میان دو نفر که یکی تبعه سرزمین محل وقوع مال و دیگری تبعه کشور بیگانه‌ای باشد، در مورد آن ملک غیر منقول نزاعی درگیرد و مسئله به دادگاه برسد، مسئله تعارض قوانین در آنجا مطرح می‌گردد. چون هریک از آن دو شخص متعلق به کشور جداگانه‌ای می‌باشد و هر کشور هم قانون خاص خود را دارد.

ب. قانون حاکم در مورد تعارض قوانین در اموال غیر منقول

در حقوق ایران

حقوقدانان حقوق بین الملل خصوصی، در جایی که تعارض قوانین در اموال غیر منقول باشد، بر حاکمیت قانون محل وقوع مال یعنی اعمال قانون درون مرزی تاکید دارند. عبارات ذیل بدان تصریح دارند.

« در مورد اینکه اموال تابع کدام قانون است، حقوقدانان حقوق بین الملل خصوصی از دیرباز اشاره کرده اند: پیروی اموال از قانون محل وقوع، سابقه طولانی دارد و یکی از مواردی است که تقریباً نسبت به آن اتفاق نظر وجود دارد که اموال تابع قانون محل وقوع خود هستند.» (سید محسن شیخ الاسلامی: ۱۳۸۴، ص ۱۵۵) « از قدیم الایام اموال به طور کلی، تحت رژیم درون مرزی بوده و تابع محل وقوع خود شناخته شده اند.» (محمد نصیری: ۱۳۸۳، ص ۲۰۱) « حکومت قانون محل وقوع اموال غیر منقول، بر این اموال، از قدیم الایام پذیرفته شده و هیچ گاه مورد تردید قرار نگرفته است. همان گونه که ساوینی حقوقدان معروف آلمانی گفته، پایگاه و مرکز ثقل طبیعی اموال غیر منقول محلی است که اموال در آن جا واقع است. به همین جهت تقریباً تمامی کشورها اعمال قانون درون مرزی نسبت به اموال غیر منقول را قبول کرده اند و در واقع این راه حل از مواردی است که مورد اتفاق اکثر قوانین دنیا است. (الماسی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۲ - ۲۸۳)

اعمال قانون درون مرزی نسبت به اموال غیر منقول، در دو ماده از قانون مدنی ایران آمده است. ماده ۸ می گوید: « اموال غیر منقول که اتباع خارجه در

ایران بر طبق عهود تملیک کرده یا می کنند از هر جهت تابع قانون ایران خواهد بود. و ماده ۹۶۶ مقرر داشته: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول و غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می باشند.

ج. مبانی حاکمیت قانون محل وقوع مال در تعارض قوانین در اموال غیر منقول

اعمال قانون محل وقوع مال نسبت به اموال غیر منقول به دلایل زیر همیشه مورد قبول بوده است:

۱. اموال غیر منقول جزء سرزمین یک مملکت و در حقیقت با حاکمیت ارضی دولت آمیخته است.

۲. وظیفه برقراری نظم و اطمینان در معاملات راجع به اموال غیر منقول، به عهده دولتی است که مال در قلمرو حاکمیت آن واقع شده است.

۳. مقررات راجع به ثبت و اعلان حقوق غیر منقول، طبق قانون محل غیر مال منقول تنظیم می گردد.

۴. اعمال قانون محل وقوع مال غیر منقول شرط اساسی امکان اجرای حکمی است که نسبت به آن صادر می گردد. (محمد نصیری: ۱۳۸۳، ص ۲۰۲)

دلیل نظری اعمال قانون محل وقوع مال هم این است که این رویه، هم منافع مالک و هم منافع کشور محل وقوع مال غیر منقول را بهتر تأمین می کند. زیرا مصلحت کشور محل وقوع مال ایجاب می کند که کنترل املاک آن سرزمین و نیز حفظ نظم و امنیت معاملات حقوقی در کشور را خود عهده دار باشد. و نیز مصلحت مالک ایجاب می کند که مالکیت وی، مطمئن، ثبتي و قابل دفاع

بوده و قابلیت اجرایی نیز داشته باشد. حصول تمامی این اهداف با اعمال حاکمیت قانون کشور محل وقوع مال غیر منقول بهتر تأمین می شود. (مجتبی نظیف: ۱۳۸۹، ص ۱۷۲)

بند دوم: تعارض قوانین در اموال غیر منقول در حقوق افغانستان

تعارض قوانین در اموال غیر منقول از منظر حقوق افغانستان، در دو عنوان بحث می شود. در قسمت اول، تعارض قوانین در اموال غیر منقول اصلی و تعیین قانون حاکم بر آن؛ و در قسمت بعدی، تعارض قوانین در اموال غیر منقول تبعی و تعیین قانون حاکم بر آن، بررسی می گردد.

الف. قانون حاکم بر تعارض قوانین در اموال غیر منقول اصلی در حقوق افغانستان

در ارتباط با اینکه دیدگاه حقوق کشور افغانستان در مورد تعارض قوانین در اموال غیر منقول و قانون حاکم بر آن، چگونه است، باید گفت: حقوق افغانستان نیز مثل سایر کشورها از جمله ایران، قانون صالح و حاکم برای حل دعوای راجع به اموال غیر منقول را، همان قانون محل وقوع مال غیر منقول می داند. قانون مدنی کشور افغانستان در ماده ۲۶ بدان اشاره دارد: «در مورد حيازت ملکیت و سایر حقوق عینی، قانون محلی تطبیق می گردد که عقار در آن واقع باشد...» اگرچه این قانون مثل قانون مدنی ایران باصراحت از اموال غیر منقول نام نبرده و از لفظ «عقار» بهره جسته است ولی مصداق «عقار» در نزد

قانون گذار افغانستان و نیز در نزد مردم آن سرزمین، همان اموال غیر منقول است. چنانچه قانون مدنی افغانستان خود نیز در ماده (۴۷۸) عقار را به اموال غیر منقول تعریف کرده است. «عقار اشیا است که دارای اصل ثابت بوده و حمل و نقل آن بدون تلف شدن غیر ممکن باشد. اشیائی که واجد این وصف نباشد اشیای منقول شناخته می شود.» نتیجه اینکه قانون مدنی افغانستان نیز بر حاکمیت قانون محل وقوع مال غیر منقول تصریح دارد.

شاید بتوان گفت اعمال قانون محل وقوع مال غیر منقول، یک رویه و اجماع بین المللی می باشد و کشورها از جمله کشور افغانستان به جهت رعایت مصالح و منافع خود و منافع اتباع شان بدان روی آورده اند. دلایل و مستندات هم که قبلاً بر این امر ارائه گردید حاکی از همین مطلب است و تأکیدات اساتید حقوق بین الملل خصوصی نیز گواه همین مدعا می باشد.

ب. قانون حاکم بر تعارض قوانین در اموال غیر منقول تبعی در حقوق افغانستان

در حقوق ایران و قانون مدنی آن راجع به قانون حاکم بر تعارض قوانین در اموال غیر منقول تبعی، اشاره صریح نشده ولی حقوق افغانستان در ضمن چند ماده قانون مدنی به آن پرداخته است. قانون مدنی افغانستان در ضمن موادی، یک سری از اموال منقول را که وابسته و مربوط به اموال غیر منقول می باشند، به تبع اموال غیر منقول، در حکم آن دانسته و قانون صالح بر آن را نیز قانون محل وقوع مال می داند. می توان اموال یادشده را که در قانون مدنی به آن اشاره

شده، اموال غیر منقول تبعی دانست. قانون مدنی افغانستان در ضمن مواد ۴۷۹ و ۴۸۰ بدان اشاره نموده است.

ماده ۴۷۹: «اشیای منقولی را که مالک برای استفاده از عقار تخصیص می - دهد، عقار پنداشته می شود.» ملاحظه گردید این گونه اموال منقول که مخصوص استفاده از اموال غیر منقول است به تبع عقار (اموال غیر منقول)، در حکم عقار پنداشته شده است و هنگامی که در حکم عقار باشد، قانون حاکم بر آن نیز مسلماً همان قانون محل وقوع آن است.

ماده ۴۸۰: «هر حق عینی مربوط به عقار و هر دعوی متعلق به آن، عقار شناخته می شود...»

گفتار سوم: قانون حاکم بر اموال منقول از منظر حقوق ایران و افغانستان در این بخش، تعارض قوانین در مورد اموال منقول و قانون مناسب و حاکم بر آن، از دیدگاه حقوق ایران و افغانستان که هر کدام جداگانه در طی دو بند، مورد بررسی قرار می گیرد.

بند اول: قانون حاکم بر تعارض قوانین در اموال منقول در حقوق ایران

در اینجا نیز لازم است قبل از پرداختن به بحث تعارض قوانین در اموال منقول و تعیین قانون حاکم بر آن از منظر حقوق ایران، ابتدا زمینه های شکل - گیری چنین تعارضی تبیین شود.

الف. چگونگی شکل گیری تعارض قوانین در اموال منقول

تعارض قوانین در اموال منقول نیز ممکن است به اشکال مختلف تحقق پیدا کرده و قابل تصویر باشد. ولی در اینجا جهت وضوح بحث به یادآوری دو نمونه بسنده می‌گردد: مثلاً، هرگاه مال منقولی واقع در کشور سوئیس توسط دو ایرانی مورد معامله قرار گیرد، در این مورد مسئله تعارض قوانین در اموال اتفاق می‌افتد؛ چون از یک طرف به اعتبار اینکه مال در کشور سوئیس است، قانون سوئیس و از طرفی دیگر به این جهت که متعاقدان ایرانی هستند، قانون ایران صلاحیت اجرا را دارد. که البته ماده ۹۶۶ ق. م. ایران که یک قاعده‌ی حل تعارض ایرانی است مشکل این گونه مسائل را حل کرده و آن را تابع قانون سوئیس که قانون محل وقوع مال است، می‌داند. یا اگر مال منقولی واقع در ایران توسط یک ایرانی و یک خارجی مورد معامله قرار گیرد، اینجا نیز به اعتبار دوگانگی تابعیت متعاقدين، فرض تعارض قوانین متصور است.

ب. قانون حاکم بر تعارض قوانین در اموال منقول از نگاه حقوق ایران

همان طور که در اموال غیر منقول بیان شد در اموال منقول نیز قانون مدنی ایران قایل به قاعده اعمال قانون درون مرزی بوده و بر صلاحیت قانون محل وقوع آن، حکم نموده است. ق.م. ایران در ماده ۹۶۶ که یک قانون دو جانبه‌ی حل تعارض است مقرر می‌دارد: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند...»

فرضیه ی اعمال قانون محل وقوع مال منقول در صورت وجود تعارض قوانین، فرضیه ای است که اکثر حقوقدانان حقوق خصوصی بدان اذعان داشته و اشاره نموده اند: « از ابتدای پیدایش حقوق بین الملل خصوصی تا به حال این مسئله مورد اتفاق بوده است که اموال مادی منقول نیز تابع قانون محل وقوع خود می باشند.» (محمد نصیری: ۱۳۸۳، ص ۲۰۲) « از قدیم تا به حال اموال منقول نیز تحت رژیم درون مرزی بوده و تابع قانون محل وقوع خود شناخته شده اند و این مسئله در واقع یکی از مسائل نادری است که همیشه مورد اتفاق بوده است.» (نجاد علی الماسی: ۱۳۸۵، ص ۱۸۷)

ج. مبانی و دلایل صلاحیت قانون محل وقوع مال منقول

مستنداتی که برای توجیه اعمال قانون محل وقوع شیء برای اموال منقول مورد استناد واقع شده، همان دلایلی است که قبلاً برای اموال غیر منقول بیان شد. النهایه چون ارتباط این اموال با محل وقوع خود یک ارتباط طبیعی نبوده و ممکن است جنبه عارضی داشته باشد، لذا به دو دلیل از دلایل مزبور استناد شده است.

۱- مصلحت دولت محل وقوع مال: اعمال قانون درون مرزی نسبت به اموال منقول، موافق مصلحت دولت محل وقوع مال می باشد؛ زیرا این از وظیفه دولت است که در قلمرو حاکمیت خود برای تسهیل روابط حقوقی نسبت به اموال منقول نظم و ترتیب صحیحی برقرار نماید و معاملات راجع به این قبیل اموال را اطمینان بخش سازد.

۲- مصلحت افراد: اجرای قانون درون مرزی نسبت به اموال منقول موافق مصلحت افراد نیز هست؛ چرا که حکم صادره نسبت به اموال منقول زمانی می تواند بهتر اجرا شود که قانون محل وقوع آنها را اعمال نمایند و حکمی که به موجب قانون دیگری صادر شده باشد در کشور محل وقوع مال ممکن است لازم الاجرا تلقی نشود. (الماسی: ۱۳۸۵، ص ۱۸۷)

د. استثنائات قاعده ی حکومت قانون محل وقوع مال

تعیین محل وقوع بعضی از اموال منقول به دلیل اینکه دائماً در حال جابجایی هستند، چندان به سهولت امکان پذیر نیست تا همیشه به صلاحیت قانون محل وقوع آن حکم گردد. لذا لازم است این گونه اموال منقول را تابع قوانین خاصی قرار داد. از جمله ی این اموال می توان به کشتی ها و هواپیماها، وسایل نقلیه زمینی، اتوبوس ها و محموله ها و مراسلات هوایی، زمینی و دریایی اشاره نمود، که این قبیل اموال منقول تابع رژیم حقوقی ویژه ای به شرح ذیل هستند.

۱. وسایل حمل و نقل دریایی و هوایی

در حقوق بین الملل خصوصی اغلب کشور ها، قانون حاکم بر وسایل حمل و نقل دریایی و هوایی مانند کشتی ها و هواپیماها از دیگر اموال منقول متمایز شده است. در ایران بر طبق قانون دریایی مصوب ۲۹ شهریور ماه ۱۳۴۳، که مقرر می دارد، هر کشتی که در ایران به ثبت رسیده باشد، دارای تابعیت ایران می باشد، قانون محل ثبت آن به عنوان قانون حاکم شناخته شده نه قانون محل وقوع آن. در مورد قانون حاکم بر هواپیماها نیز رژیم حقوقی کشتی ها بر آنها اعمال می شود؛ یعنی قانون محل ثبت هواپیما ها بر آنها حاکم می باشد. گاهی تابعیت

هواپیماها براساس قانون پرچم معین می‌شود. در زمانی که میان قانون پرچم و قانون محل ثبت کشتی‌ها و هواپیماها تعارض ایجاد شود، این گونه اموال تابع قانون محل ثبت آن‌ها می‌باشد.

۲. وسایل حمل و نقل زمینی

وسایل حمل و نقل زمینی مانند کامیون، اتوبوس و قطارها نیز مانند کشتی‌ها و هواپیماها دارای رژیم حقوقی خاصی هستند. در این نوع از اموال منقول، به دلیل جا بجایی دائم نمی‌توان قانون محل وقوع آن‌ها را تعیین نمود. بنابراین، بهترین راه حل، حاکم دانستن قانون محل ثبت آن‌ها می‌باشد.

۳. محموله‌ها و مراسلات زمینی، هوایی و دریایی

این قبیل محموله‌ها از جمله اموال منقولی محسوب می‌شوند که مانند وسایل نقلیه دائماً در حال تغییر مکان هستند؛ تعیین محل وقوع ثابت برای آن‌ها امکان پذیر نیست. برخی از حقوق‌دانان محموله‌ها و مراسلات زمینی، هوایی و دریایی را تابع قانون کشور مقصد می‌دانند اما بعضی دیگر معتقدند کالا و اموالی که در داخل کشتی یا هواپیما قرار دارند مانند خود کشتی یا هواپیما تابع قانون پرچم هستند. با توجه به این که کشتی‌ها در دریای آزاد و هواپیماها در فضای آزاد تابع قانون پرچم هستند، اموال و کالاهای درون آنها نیز به منزله اموالی هستند که در کشور صاحب پرچم واقع شده‌اند. (شیخ الاسلامی: ۱۳۸۴، ص ۱۶۵)

بند دوم: قانون حاکم بر تعارض قوانین در اموال منقول در

حقوق افغانستان

قبل از پرداختن به بحث تعارض قوانین در اموال منقول و تعیین قانون حاکم بر آن از منظر حقوق افغانستان، لازم است ابتدا «مال منقول» از دیدگاه حقوق افغانستان تعریف شود. قانون مدنی افغانستان در یک ماده به تعریف اموال منقول پرداخته و در ماده دیگر تکلیف موارد تعارض قوانین در اموال منقول را از حیث حاکمیت قانون صالح بر آن، مشخص کرده است. در ماده ذیل اموال منقول را تقریباً به این مضمون تعریف کرده: اشیائی که اصل ثابت ندارد و حمل و نقل آن بدون تلف وی ممکن باشد، اموال منقول است.

ماده (۴۷۸): «عقار اشیایی است که دارای اصل ثابت بوده و حمل و نقل آن بدون تلف شدن غیر ممکن باشد. اشیائی که واجد این وصف نباشد اشیای منقول شناخته می شود.»

در مورد تعارض قوانین در اموال منقول و قانون حاکم بر آن از منظر حقوق افغانستان، می توان گفت قاعده حل تعارض (قاعده تعارض قوانین) افغانستان نیز مانند قاعده حل تعارض ایران، قانون محل وقوع مال را صالح می داند. یعنی حقوق افغانستان نیز برای از میان برداشتن تعارض قوانین، حاکمیت قانون محل وقوع مال منقول را پذیرفته و هیچ گونه تفاوتی هم میان انواع اموال منقول نگذاشته است. قانون مدنی افغانستان در ماده (۲۶) که قانون صالح را در مورد تعارض قوانین در اموال منقول تعیین می کند، هرچند عبارت آن مقداری پیچیدگی دارد که فهم آن را قدری دشوار ساخته ولی مفهوم آن همین است؛ یعنی اموال منقول تابع قانون محلی است که آن مال در حین تحقق هر نوع نقل

و انتقال، (معاملاتی که باعث به دست آوردن مال منقول و یا سبب از دست دادن آن می گردد) در آن محل موجود بوده است.

ماده ۲۶: «... و در مورد اموال منقول، قانون محلی تطبیق می گردد که اموال منقول حین تحقق اسبابی که بر آن اکتساب و یا از دست دادن حق مرتب گردیده، در محل مذکور موجود بوده است.»

می توان گفت مبانی و دلایل گزینش قانون محل وقوع مال منقول در نگاه حقوق افغانستان نیز، همان مستندات و دلایل حقوق ایران می باشد. زیرا ادلهی مذکور به دلیل مقبولیت بین المللی و اینکه در راستای تحصیل منافع کشورها و اتباع آنها می باشند، مورد پذیرش همه کشورها از جمله افغانستان می باشد.

گفتار چهارم: مقایسه دیدگاه حقوق ایران و افغانستان در تمامی

بحث های گذشته

در این گفتار، میان دیدگاه حقوق ایران و افغانستان نسبت به تمامی بحث - های گذشته (یعنی هم در تعارض قوانین در اموال غیر منقول اصلی، هم در غیر منقول تبعی و هم در اموال منقول)، مقایسه انجام می گیرد. مباحث این گفتار در قالب سه بند که در بند اول، دیدگاه حقوقی هر دو کشور در مورد تعارض قوانین در اموال غیر منقول اصلی و قانون حاکم بر آن، مقایسه می شود؛ در بند دوم، در اموال غیر منقول تبعی، و در بند سوم، در اموال منقول، مقایسه صورت می گیرد.

بند اول: مقایسه دیدگاه دو کشور در اموال غیر منقول اصلی

همان گونه که مشاهده گردید، دیدگاه نظام حقوقی دو کشور ایران و افغانستان در ارتباط با تعیین قانون حاکم و صالح، در جایی که تعارض قوانین در اموال غیر منقول اصلی باشد، یکسان و واحد است. یعنی در صورت شکل-گیری تعارض قوانین در معاملات مربوط به اموال غیر منقول اصلی، هر دو نظام حقوقی بر صلاحیت قانون محل وقوع آن مال، تأکید داشته و آن را صالح به رسیدگی دعاوی راجع به این گونه اموال می‌داند. این مدعا در حقوق ایران، از دو ماده ی ۸ و ۹۶۶ ق.م. ایران قابل استنباط می‌باشد.

ماده ۸: «اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.»

ماده ۹۶۶: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آن جا واقع می‌باشند...»

و در حقوق افغانستان از ماده ۲۶ ق.م. افغانستان قابل استنباط است.

ماده ۲۶: «در مورد حيازت ملکیت و سایر حقوق عینی، قانون محلی تطبیق می‌گردد که عقار (اموال غیر منقول) در آن واقع باشد...»

بند دوم: مقایسه دیدگاه دو کشور در اموال غیر منقول تبعی

نگاه نظام حقوقی دو کشور ایران و افغانستان راجع به تعیین قانون حاکم در جایی که تعارض قوانین در معاملات مربوط به اموال غیر منقول تبعی باشد، اندک تفاوتی باهم دارند. بدین بیان: در حقوق افغانستان تمام وسایل منقولی که مربوط به مال غیر منقول بوده و وسیله استفاده مالک از مال غیر منقول قرار می‌گیرد و نیز تمام حقوق عینی و هر دعوی مربوط به چنین اموالی را به عنوان

اموال غیر منقول تبعی حساب نموده و ضمن آنکه آن را از حیث احکام، تابع اموال غیر منقول دانسته، قانون محل وقوع مال غیر منقول را صالح و حاکم بر آن می‌داند. ولی حقوق ایران در دو ماده ۸ و ۹۶۶ که تکلیف تعارض قوانین را در اموال غیر منقول مشخص کرده، نسبت به اموال غیر منقول تبعی ساکت بوده و هیچ گونه اظهار نظری ندارد.

ق.م. افغانستان در دو ماده ۴۷۹ و ۴۸۰ به مطلب فوق پرداخته است.

ماده ۴۷۹: «اشیای منقولی را که مالک برای استفاده از عقار تخصیص می‌دهد، عقار پنداشته می‌شود.»

ماده ۴۸۰: «هر حق عینی مربوط به عقار و هر دعوی متعلق به آن، عقار شناخته می‌شود...»

بند سوم: مقایسه دیدگاه ایران و افغانستان در اموال منقول

نگاه نظام حقوقی دو کشور ایران و افغانستان در زمینه تعیین قانون حاکم و لازم‌الاتباع در مواردی که تعارض قوانین در معاملات مربوط به اموال منقول باشد، نیز تقریباً متحد و یکسان است. یعنی هر دو نظام حقوقی تقریباً، بر صلاحیت قانون محل وقوع مال منقول نظر داشته و آن را حاکم و شایسته رسیدگی می‌دانند.

این برداشت در حقوق ایران از ماده ۹۶۶ ق.م. ایران بدست می‌آید.

ماده ۹۶۶: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آن جا واقع می‌باشند...»

و در حقوق افغانستان از تئمه ی ماده ۲۶ قانون مدنی آن قابل برداشت است.

«...و در مورد اموال منقول قانون محلی تطبیق می‌گردد که اموال منقول حین تحقق اسبابی که بر آن اکتساب و یا از دست دادن حق مرتب گردیده، در محل مذکور موجود بوده است.»

به کارگیری واژه «تقریباً» بدین لحاظ است که حقوق افغانستان در صورت وقوع چنین تعارضی، قانون صالح به رسیدگی را به طور مطلق، قانون محل وقوع مال منقول می‌داند ولی حقوق ایران گرچه در ماده ۹۶۶، هیچ گونه قید و قیودی را برای اعمال قانون محل وقوع مال منقول منظور نکرده، و لیکن قوانین دیگر ایران مانند قانون دریایی بعضی از اموال منقول مانند: کشتی‌ها و هواپیماها را که دائماً در حال تغییر مکان هستند در شرایط ویژه‌ای، تابع قانون ثبت و یا تابع قانون پرچم ایران می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در آغاز پرداختن به موضوع حاضر با توجه به یک سری اهدافی بود که به نظر می‌رسد با انجام پژوهش، اهداف مورد نظر تا حدودی تحقق یافت. تحقیق موجود با همه کاستی‌ها و نقایص خود توانسته، ابعاد زیادی از موضوع حاضر را روشن‌گری کند. ماحصل و نتایج بدست آمده از این پژوهش اموردیل هستند:

۱. امروزه واژه اموال در عرف حقوقدانان معنای وسیعی دارد، هم بر اموالی - که مالک خاص دارند مانند: زمین، اموال منقول، مطالبات، حقوق مالی، حتی حق تألیف و اختراع و سرقتی، و هم بر اشیائی که مالک خاصی ندارند مانند: آب‌های مباح، زمین موات و شکار اطلاق می‌گردد.

۲. در جایی که تعارض قوانین در اموال غیر منقول اصلی باشد، دیدگاه حقوقی دو کشور در ارتباط با تعیین قانون حاکم بر آن، یکسان بوده و هر دو نظام حقوقی، بر حاکمیت قانون محل وقوع مال تأکید دارند.

۳. در صورتی که وقوع تعارض قوانین مربوط به اموال غیر منقول تبعی باشد، نظر نظام حقوقی دو کشور راجع به تعیین قانون حاکم، به این نحو است: حقوق افغانستان همه اموال غیر منقول تبعی را از حیث احکام، تابع اموال غیر منقول اصلی دانسته و همان قانون محل وقوع مال را نسبت به آن صالح می داند. ولی حقوق ایران نسبت به اموال غیر منقول تبعی، دستور صریحی در مورد تعیین قانون صالح ندارد.

۴. در صورتی که تعارض قوانین مربوط به اموال منقول باشد، نگاه نظام حقوقی دو کشور در مورد تعیین قانون حاکم و صالح، اندک تفاوتی باهم دارند. و آن اینکه: حقوق افغانستان قانون صالح به رسیدگی را به طور مطلق، قانون محل وقوع مال منقول می داند ولی حقوق ایران با تصویب قوانین جدید، برخی از اموال منقول مانند: کشتی ها و هواپیماها و محموله های آنها را، تابع قانون ثبت و یا قانون پرچم می داند.

فهرست منابع

- ۱- الماسی، نجاد علی، ۱۳۸۵، تعارض قوانین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲ - الماسی، نجاد علی، ۱۳۸۳، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان.

- ۳- شیخ الاسلامی، سید محسن، ۱۳۸۴، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، کتابخانه ی گنج دانش.
- ۴- عمید، حسن، ۱۳۶۲، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۵- فدوی، سلیمان، ۱۳۸۵، تعارض قوانین در حقوق ایران...، تهران، طرح نوین اندیشه.
- ۶- قانون مدنی ایران، جلد اول - دوم - سوم، آخرین اصلاحات، ۱۳۸۶، تهران.
- ۷- قانون مدنی افغانستان، تنظیم صارم حسینی، ۱۳۸۸، قم، انتشارات قدس.
- ۸- قانون اساسی افغانستان، تنظیم صارم حسینی، ۱۳۸۸، قم، انتشارات قدس.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، چ: شانزدهم، ۱۳۸۶، اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان.
- ۱۰- نصیری، محمد، چ: دهم، ۱۳۸۳، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر آگاه.
- ۱۱- نظیف، مجتبی، ۱۳۸۹، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، تهران، نشر داد گستر.
- ۱۲- نظیف، مجتبی، ۱۳۹۱، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر داد گستر.